

فرا تر از خبر

میدان اصلی جنگ، تنگه هرمز است؛ «توافق نتوانست نظم پیشین دریانوردی را احیا کند»

الکس رئوف اوغلو

۱۸ تیر/۱۴۰۵



ریدان در گفت‌وگو با رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی توضیح می‌دهد که چرا حملات دریایی ایران فراتر از حمله به چند کشتی است

هم‌زمان که تهران و واشینگتن یکدیگر را به نقض آخرین آتش‌بس متهم می‌کنند، شاید جنگ اصلی نه در صدر اخبار سیاسی بلکه در مسیرهای کشتیرانی تنگه هرمز جریان داشته باشد.

از نگاه نوام ریدان، پژوهشگر ارشد ویلیام سودهاوس در مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، فروپاشی تفاهم‌نامه ۶۰ روزه از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود، زیرا اختلاف‌های بنیادین بر سر نحوه کنترل و مدیریت یکی از راهبردی‌ترین آبراه‌های جهان را حل‌وفصل نکرده بود.

ریدان در گفت‌وگو با رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی توضیح می‌دهد که چرا حملات دریایی ایران فراتر از حمله به چند کشتی است.

حملات اخیر به نفتکش‌ها چه چیزی دربارهٔ راهبرد جمهوری اسلامی نشان می‌دهد و این‌که داده‌های رهگیری کشتی‌ها در روزهای آینده نشان خواهد داد آیا نظم جدیدی بر رفت‌وآمد دریایی در منطقه در حال شکل‌گیری است یا نه.

رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی: تفاهم‌نامهٔ ۶۰ روزه تقریباً به همان سرعتی که اعلام شد، فروپاشید. با نگاه به گذشته، آیا این توافق از همان ابتدا نقصی بنیادین داشت یا سرعت فروپاشی آن شما را غافلگیر کرد؟

نوام ریدان: چند بند در این تفاهم‌نامه وجود داشت که دست‌کم برای من روشن می‌کرد بعدها مشکل‌ساز خواهد شد، به‌ویژه در حوزهٔ دریایی و تنگه هرمز.

متن تفاهم‌نامه در بخش مربوط به نحوهٔ ادارهٔ آیندهٔ تنگه هرمز بسیار مبهم بود. این دقیقاً یکی از موضوعاتی است که ایران بر آن پافشاری می‌کند. تهران می‌خواهد در تدوین سازوکار ادارهٔ آیندهٔ تنگهٔ هرمز نقش محوری داشته باشد.

در عین حال، با این خواستهٔ ایران مخالفت‌هایی هم وجود دارد. کشورهای منطقه ملاحظات خود را دارند و جامعهٔ بین‌المللی کشتیرانی نیز نگران است، زیرا حکومت ایران گاهی از دریافت عوارض عبور یا حتی هزینهٔ خدمات دریایی سخن گفته است.

به همین دلیل، از نگاه من که بر حوزهٔ انرژی و کشتیرانی تمرکز دارم، بخش مربوط به مدیریت آیندهٔ تنگه هرمز در این تفاهم‌نامه شفاف نبود. به باور من، همچنان با ابهام دربارهٔ نحوهٔ ادارهٔ این آبراه روبه‌رو خواهیم بود.

از ماه مارس همواره گفته‌ام که اکنون یک نظم جدید دریانوردی در منطقه شکل گرفته است. بازگشت آسان به نظم پیشین دریایی دیگر ممکن نیست. باید انتظار داشت ایران برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه نظام جایگزین برای هدایت کشتیرانی در تنگهٔ هرمز سنگ‌اندازی کند.

منظورم این است که ایران می‌خواهد کشتی‌ها به جای استفاده از مسیرهای جایگزین که تحت هدایت نیروهای آمریکایی است، از مسیرهایی استفاده کنند که تحت کنترل خود ایران قرار دارد.

واشینگتن و تهران آشکارا یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. آیا این جنگ اتهام‌زنی عملاً راه دیپلماسی را بسته یا تنها وارد مرحلهٔ آغازین مذاکراتی بسیار دشوارتر

” متن تفاهم‌نامه در بخش مربوط به نحوهٔ ادارهٔ آیندهٔ تنگه هرمز بسیار مبهم بود. این دقیقاً یکی از موضوعاتی است که ایران بر آن پافشاری می‌کند. تهران می‌خواهد در تدوین سازوکار ادارهٔ آیندهٔ تنگهٔ هرمز نقش محوری داشته باشد.

نوام ریدان، پژوهشگر ارشد ویلیام سوده‌اوس در مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک

شده‌ایم؟

صادقانه بگویم، هنوز هیچ نشانه‌ای از حل‌وفصل اختلاف‌ها نمی‌بینم. هر بار که تصور می‌کنیم شاید دیپلماسی به تدریج نتیجه بدهد، تحولاتی رخ می‌دهد، درست مانند اتفاقات اخیر که همه‌چیز را دوباره به نقطهٔ اول بازمی‌گرداند.

در مورد تنگهٔ هرمز، بازگشت کامل آن به مسیر تجارت و کشتیرانی بین‌المللی، پایان حملات ایران به کشتی‌ها و خاتمهٔ تهدیدهای مکرر به بستن تنگه، به نظر من فعلاً دور از دسترس است. من چشم‌اندازی برای حل این مسئله نمی‌بینم و مطمئن نیستم دیپلماسی بتواند در این زمینه راهگشا باشد.

آنچه برای من قطعی است این است که ایران اجازه نخواهد داد بازگشت به نظم پیشین دریانوردی به آسانی انجام شود. بنابراین باید این احتمال را در نظر گرفت که تهدیدهای ایران علیه کشتیرانی در منطقه ادامه پیدا کند. همین حالا هم چنین می‌کند؛ برای نمونه، امروز دوباره تهدید کرد که تنگه هرمز را خواهد بست.

شما پیش‌تر گفته‌اید ایران در تلاش است آنچه را که «نظم جدید دریانوردی» می‌نامید، برقرار کند. آیا حملات اخیر بیش از آن که نقض آتش‌بس باشد، تلاشی برای تحمیل ادعای ایران بر کنترل مسیرهای کشتیرانی است؟

بله، زیرا ایران می‌خواهد اطمینان حاصل کند که در تعیین نحوه عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز نقش اصلی را ایفا می‌کند.

تا این لحظه، کشتی‌ها دیگر از مسیرهای تجاری سابق، یعنی مسیرهایی که پیش از جنگ استفاده می‌شد، عبور نمی‌کنند. اکنون یک مسیر شمالی وجود دارد که تحت کنترل ایران است و یک مسیر جنوبی در اطراف عمان که، همان‌طور که گفتم، نیروهای آمریکایی از آن محافظت می‌کنند.

کاری که ایران اکنون انجام می‌دهد این است که می‌کوشد سطح خطر را در مسیر عمان تا حد امکان بالا نگه دارد تا کشتی‌ها ناچار شوند به سمت شمال، یعنی مسیرهای قدیمی در آب‌های ایران، حرکت کنند و از مسیرهای تحت کنترل ایران استفاده کنند.

ممکن است بپرسید آیا کشتی‌ها واقعاً از استفاده از مسیر عمان نگران هستند یا نه. برای پاسخ قطعی باید تا فردا منتظر داده‌ها بمانیم. امروز تصویر کاملی در اختیار نداریم، زیرا بسیاری از کشتی‌ها هنگام عبور از این مسیرها سامانه شناسایی خودکار (AIS) را خاموش می‌کنند و جمع‌آوری داده‌ها زمان می‌برد. اما آنچه اکنون می‌توانم بگویم این است که کشتی‌ها از مسیر تحت کنترل ایران استفاده می‌کنند.

همچنین باید انتظار داشت ایران همچنان به تهدیدهای خود ادامه دهد و سطح خطر را در مسیر عمان بالا نگه دارد تا مطمئن شود کشتی‌ها مطابق نظم جدید دریانوردی مورد نظر تهران عمل می‌کنند.

یکی از کشتی‌های هدف قرارگرفته کشتی حامل گاز طبیعی مایع قطر، «الرکیات»، بود که از کریدور تحت حفاظت آمریکا در نزدیکی عمان عبور می‌کرد. هدف قرار گرفتن یک کشتی قطری در کنار نفتکش‌های حامل نفت خام مرتبط با عربستان چه پیامی دارد؟

من از سال ۲۰۱۷ حملات به کشتی‌ها در خاورمیانه را دنبال می‌کنم. حمله اخیر به کشتی حامل گاز طبیعی مایع متعلق به قطر و همچنین دو نفتکش حامل نفت خام، از نظر من، نشانه‌ای کاملاً روشن از تشدید تنش از سوی ایران بود.

دلیل این‌که آن را تشدید تنش می‌دانم این است که برای نخستین بار در طول این جنگ، شاهد حمله حکومت ایران به یک نفتکش حامل ال‌ان‌جی بودیم که بارگیری شده بود. این اتفاق بسیار خطرناک بود، زیرا می‌توانست به یک فاجعه زیست‌محیطی و همچنین کشته شدن شمار زیادی از دریانوردان بینجامد. خوشبختانه چنین اتفاقی رخ نداد، هرچند به نظر می‌رسد کشتی آسیب دیده است. دو نفتکش نفت خام نیز حامل محموله بودند.

با توجه به تجربه‌ام در پوشش بحران دریای سرخ و حملات حوثی‌ها، می‌توانم بگویم چنین حملاتی در نهایت ممکن است به یک فاجعه زیست‌محیطی بینجامد.

اکنون یک نظم جدید دریانوردی در منطقه شکل گرفته است. بازگشت آسان به نظم پیشین دریایی دیگر ممکن نیست. باید انتظار داشت ایران برای جلوگیری از شکل‌گیری هرگونه نظام جایگزین برای هدایت کشتیرانی در تنگه هرمز سنگ‌اندازی کند.

نمونه‌ای مشابه را در سال ۲۰۲۴ در دریای سرخ دیدیم که با تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از وقوع آن جلوگیری شد.

آنچه اکنون مرا نگران می‌کند این است که ایران به تشدید تنش ادامه دهد. همچنین نگرانم که این حملات خطرناک سرانجام ما را به نقطه‌ای برساند که در مسیر عمان شاهد یک فاجعه زیست‌محیطی باشیم.

دلیل این نگرانی همان است که پیش‌تر گفتم؛ این که ایران می‌خواهد خطر در مسیر عمان همچنان بالا بماند تا کشتی‌ها در نهایت تصمیم بگیرند به جای آن، از مسیر تحت کنترل ایران استفاده کنند. باید آماده باشیم که ایران با روش‌ها و تاکتیک‌های مختلف، سطح خطر را در مسیر عمان بالا نگه دارد تا کشتی‌ها در نهایت مسیر مورد نظر تهران را انتخاب کنند.

اکنون دقیقاً در همین مرحله قرار داریم.

من در حال رصد این مرحله هستم؛ این که ایران چگونه بازگشت به وضعیتی را که با اهدافش همخوانی ندارد، دشوارتر می‌کند. بار دیگر تأکید می‌کنم که تنگه هرمز همچنان در مرکز این جنگ باقی خواهد ماند.

دونالد ترامپ از احتمال اعمال محاصره کامل دریایی علیه بنادر ایران سخن گفته است. آیا چنین اقدامی می‌تواند تلاش حکومت ایران برای تبدیل تنگه هرمز به یک اهرم سیاسی و اقتصادی را از بین ببرد؟

اکنون این پرسش مطرح است که آیا اهرم فشار ایران همچنان کارآمد است یا نه. با توجه به آنچه اکنون انجام می‌دهد، پاسخ من مثبت است. ایران همچنان فشار زیادی بر کشتیرانی وارد می‌کند و از این طریق بر بازار نفت نیز اثر می‌گذارد. همان‌طور که دیدیم، قیمت‌ها به آخرین دور تشدید تنش واکنش نشان دادند. بنابراین ایران هنوز از طریق تنگه هرمز اهرم فشار در اختیار دارد.

علاوه بر حمله به کشتی‌ها در تنگه هرمز، ایران آمادگی دارد حمله به زیرساخت‌های حیاتی انرژی در منطقه را نیز از سر بگیرد؛ منظورم تأسیسات مهم انرژی در کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی است که نقش مهمی در بازار جهانی انرژی دارند.

چند ماه پیش گفتم باید مراقب باشیم ایران چگونه تلاش خواهد کرد مسیرهای جایگزینی را که کشورهای منطقه برای دور زدن تنگه هرمز ایجاد می‌کنند نیز تحت فشار قرار دهد.

باید خود را برای تشدید بیشتر تنش از سوی ایران آماده کنیم، زیرا حملات دیروز [سه‌شنبه] نشان داد تهران آماده است این روند را به سطحی کاملاً متفاوت برساند.

ایران بار دیگر تهدید کرده که اگر آمریکا حملات بیشتری انجام دهد، تنگه هرمز را به‌طور کامل خواهد بست. شما پیش‌تر گفته بودید چنین اقدامی از نظر اقتصادی برای ایران نوعی خودزنی است، زیرا خود این کشور نیز به این آبراه وابسته است. آیا محاسبات تهران تغییر کرده است؟

هنوز هیچ نشانه‌ای نمی‌بینم که ایران قصد عقب‌نشینی داشته باشد. حتی اگر محاصره دریایی دوباره برقرار شود، تصور نمی‌کنم ایران به راحتی از مهم‌ترین برگ برنده خود در این جنگ، یعنی تنگه هرمز، صرف‌نظر کند. نشانه‌ای از کاهش تنش از سوی ایران نمی‌بینم.

حتی زمانی که محاصره دریایی برای نخستین بار اعمال شد، ایران به تهدیدهای خود ادامه داد و حمله به کشتی‌ها را متوقف نکرد.

ایران می‌خواهد خطر در مسیر عمان همچنان بالا بماند تا کشتی‌ها در نهایت تصمیم بگیرند به جای آن، از مسیر تحت

کنترل ایران استفاده کنند. باید آماده باشیم که ایران با روش‌ها و تاکتیک‌های مختلف، سطح خطر را در مسیر عمان بالا نگه دارد تا کشتی‌ها در نهایت مسیر مورد نظر تهران را انتخاب کنند.

در عوض، تلاش کرد راه‌های مختلفی برای دور زدن محاصره پیدا کند و اگر آمریکا دوباره این محدودیت‌ها را اعمال کند، انتظار دارم همین روند ادامه یابد.

ایران چندین دهه تحت تحریم بوده است. کسانی که کشتی‌های تحریم‌شده و صادرات نفت ایران را رصد می‌کنند، بارها دیده‌اند که تهران روش‌های مختلفی برای دور زدن تحریم‌ها ابداع کرده است. هرچند دور زدن یک محاصره دریایی جدید دشوار خواهد بود، اما همچنان باید انتظار داشت ایران برای دور زدن محدودیت‌های صادرات انرژی خود تلاش کند.

شب گذشته، با حمله موشکی و پهپادی به تأسیسات نظامی آمریکا، آژیرهای هشدار در بحرین و کویت به صدا درآمد. اگر ایران دامنه درگیری را از کشتیرانی فراتر ببرد، زیرساخت‌های انرژی و بنادر تجاری کشورهای خلیج فارس تا چه اندازه آسیب‌پذیر خواهند بود؟

زیرساخت‌های حیاتی انرژی همچنان بسیار آسیب‌پذیر هستند. از آغاز جنگ شاهد حملات ایران به این تأسیسات بوده‌ایم و نگرانی من این است که هنوز همه توانایی‌های ایران در این زمینه آشکار نشده است.

اگر زیرساخت‌های انرژی خود ایران هدف حمله قرار گیرد، تقریباً مطمئنم که تهران به زیرساخت‌های حیاتی انرژی در منطقه پاسخ خواهد داد. این موضوع را هم از اظهارات رسمی ایران و هم از رفتار این کشور که از ماه مارس زیر نظر داشته‌ام، می‌توان دریافت.

می‌توان انتظار داشت ایران زیرساخت‌های حیاتی عربستان سعودی را هدف قرار دهد، زیرا این کشور یکی از مهم‌ترین اعضای اوپک است. امارات متحده عربی نیز به‌عنوان صادرکننده بزرگ نفت و گاز جایگاه مهمی در بازار جهانی انرژی دارد.

برخی تحلیلگران معتقدند جهان بعید است دوباره وارد یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای شود، زیرا پیامدهای اقتصادی آن بسیار سنگین خواهد بود. آیا بازار جهانی انرژی می‌تواند یک محاصره دریایی طولانی‌مدت آمریکا و کاهش صادرات نفت ایران را تحمل کند؟

پرسش بسیار خوبی است. اکنون روندهای متفاوتی را در بازار نفت مشاهده می‌کنیم.

در هفته‌های اخیر عرضه نفت افزایش یافته و جریان صادرات نفت از منطقه به تدریج در حال بازیابی بوده است. اما هم‌زمان با وجود افزایش عرضه، تقاضا به همان نسبت رشد نکرده است. بنابراین در حال حاضر نفت کافی در بازار وجود دارد.

درباره نفت ایران هم نکته‌ای وجود دارد که شاید کمتر به آن توجه می‌شود؛ این نفت دیگر با تخفیف‌های سنگینی که در گذشته ارائه می‌شد، عرضه نمی‌شود.

در همین حال، برخی انواع نفت خام خاورمیانه نیز با تخفیف عرضه می‌شوند و عملاً با نفت ایران رقابت می‌کنند. به همین دلیل، برخی خریداران به‌ویژه در آسیا دیگر مانند گذشته نفت ایران را خریداری نمی‌کنند. منظورم مشخصاً چین است که همچنان یکی از مشتریان اصلی نفت ایران به شمار می‌رود، اما همان‌طور که می‌دانیم، در دو ماه گذشته واردات خود را به‌طور قابل توجهی کاهش داده و دیگر مانند پیش از جنگ نفت ایران را خریداری نمی‌کند.

بنابراین، در پاسخ به سؤال شما باید بگویم بازار اکنون تحت تأثیر روندهای متفاوتی قرار دارد. عرضه نفت کافی است، اما تقاضا هم‌زمان با آن افزایش نیافته است. این‌که آیا قیمت‌ها دوباره مانند آغاز جنگ جهش خواهند کرد یا نه، صادقانه بگویم، نمی‌توانم پیش‌بینی کنم.

رهبران ناتو مواضع متفاوتی درباره آخرین اقدام نظامی آمریکا گرفته‌اند. از نگاه شما، طی ۲۴ تا ۴۸ ساعت آینده چه نشانه‌ای مشخص خواهد کرد که این درگیری از نقطه بازگشت عبور کرده است؟

من که تحولات کشتی‌ها را در منطقه دنبال می‌کنم، بیش از هر چیز رفتار کشتی‌ها و مسیرهایی را که انتخاب می‌کنند زیر نظر خواهم داشت؛ یعنی مسیر شمالی تحت کنترل ایران و مسیر جنوبی در اطراف عمان.

همچنین رفتار برخی کشورهای منطقه را نیز دنبال خواهم کرد، اما تمرکز اصلی من همچنان بر کشتی‌ها، به‌ویژه جریان انتقال انرژی، خواهد بود.

مسیر عمان همان جایی است که اخیراً دست‌کم سه نفتکش در آن هدف حمله قرار گرفتند. تا فردا [پنجشنبه] تصویر بسیار روشن‌تری از وضعیت کشتیرانی در این مسیر خواهیم داشت. آن زمان مشخص می‌شود آیا ایران موفق شده کشتی‌ها را وادار به تغییر مسیر یا تجدیدنظر در استفاده از مسیر عمان کند و آن‌ها را به مسیر تحت کنترل ایران بازگرداند یا نه.

دلیل این‌که اکنون نمی‌توان با اطمینان قضاوت کرد این است که بسیاری از کشتی‌ها سامانه شناسایی خودکار خود را خاموش می‌کنند و در نتیجه امکان رهگیری لحظه‌ای آن‌ها وجود ندارد.

باید منتظر بمانیم تا این کشتی‌ها دوباره در دریای عمان ظاهر شوند. آن زمان خواهیم فهمید که آیا واقعاً از مسیر عمان عبور کرده‌اند یا مسیر تحت کنترل ایران را انتخاب کرده‌اند. تا فردا، با در اختیار داشتن داده‌های دقیق‌تر، تصویر بسیار روشن‌تری از میزان موفقیت راهبرد ایران خواهیم داشت.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی

ایران